

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

بررسی نقش زمان و مکان در حقوق کیفری ناظر بر زنان در حقوق ایران در پرتو اسناد بین المللی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسن فرهودی نیا

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین فخر

پژوهشگر:

مریم لطفی

تقدیم به

صاحب‌دلان ژرف اندیش و حقیقت‌جویانی که دین را از هر گونه تحجر و واپس‌گرایی منزّه می

دانند.

سپاسگزاری

با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر حسن فرهودی نیا که این پایان نامه، نمایانگر سپاس بی پایان اینجانب نسبت به کمک های بی دریغ ایشان به شمار می آید.

همچنین از آقایان دکتر سید حبیب نبوی، دکتر حسین فخر، دکتر اسمعیل رحیمی نژاد که با راهنمایی های استادانه خویش مرا در اجرای هر چه بهتر این وظیفه یاری نمودند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

چکیده:

زنان به عنوان عضوی از اعضای جامعه بشری دارای حقوق و تکالیفی هستند که توجه ویژه به آن حقوق را ایجاب می‌کند. داوری منطقی آن است که به جای توجه صرف به مسائل حقوقی زنان، نگاهی همه جانبه و از تمام دیدگاه‌ها به این قشر وجود داشته باشد و تمام فراز و نشیب‌های زندگی زن امروز مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گیرد؛ تا نگاه مرد سالارانه که در کل تاریخ بر زنان و حقوق آنان سایه افکنده است تعدیل گردد. نگاه تحول یافته به حقوق این قشر، نگاهی بن بست شکن، سنت شکن و مخالف با اسلام نیست بلکه با کرنش در مقابل این نگاه متحول می‌توان هویت دینی، ملی و تاریخی خویش را حفظ کرده و در بستر آزادی و فعالیت تعالی بخش گام نهاد. نگاه مورد نظر در راستای این حدیث حکیمانه که خیرالامور را اوسطها می‌داند قابل تفسیر است. به این معنا که دید امروز ما نه همانند آنچه که از آن تحت عنوان فمینیسم یاد می‌شود و نه سنتی فقهی صرف است. بنابراین گذر از صورت قرآن و تفسیر آن مطابق با مقتضیات زمانی و مکانی، امروز در همه مسائل بالاخص مسئله زنان نه تنها امری لازم بلکه ضروری است. تفکیک میان "عقل" و "محصول عقل" در دنیای امروز پیرامون مسئله زنان حائز اهمیت می‌باشد و همین جدائی ما را به هدف قرآن نزدیک تر خواهد کرد. به این معنا که در روزگاری از لحاظ کیفی محصول عقل این بود که میان زنان و مردان در مسئله دیه، قصاص، شهادت و سن مسئولیت کیفی آن‌ها تفاوت وجود داشته باشد و همین نیز مطابق عقلانیت بود اما امروز محصول عقل بشر چیز دیگری است و از قضا همین مسئله نیز مطابق عقل است بنابراین توجه به مقوله زمانی و مکانی در حقوق امروز ما را به برون دادهایی مطابق با عقلانیت امروزی سوق می‌دهد و روشن خواهد شد که حقوق زنان اصالت ندارد بلکه تابع است. در نتیجه تحقیق پیشرو با چنین نگاهی با توجه به آنچه که در اسناد بین‌المللی نیز پیرامون این حقوق وجود دارد در مورد این مسئله به کاوش و بررسی می‌پردازد. بنابراین در فصل اول به جایگاه زنان از منظر دینی، تاریخی و فلسفی می‌پردازیم تا از نظرات و دیدگاه‌های موجود در این زمینه آگاهی یابیم آنگاه مطابق با دیدگاه پذیرفته شده در فصل اول به بررسی تفاوت‌های کیفی میان زنان و مردان در قانون مجازات اسلامی می‌پردازیم تا در نتیجه بتوانیم آن‌ها را مطابق با مقتضیات زمانی و مکانی تحلیل کنیم.

واژگان کلیدی: اسناد بین‌المللی، قوانین جزایی، فمینیسم، نقش زمان و مکان، حقوق زنان

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۱.....	بیان مسئله.....
۳.....	سوالات تحقیق.....
۳.....	فرضیات تحقیق.....
۵.....	سابقه تحقیق.....
۵.....	محدوده بحث.....
۶.....	فصل اول: نگاه به زنان از زاویه دینی، تاریخی و فلسفی.....
۷.....	بخش اول-نگاه به زنان از زاویه دینی.....
۷.....	۱-۱-۱ تفکیک میان دین و شریعت.....
۹.....	۱-۱-۲ مفهوم زمان و مکان.....
۱۲.....	۱-۱-۳ زن در قرآن کریم.....
۱۷.....	۱-۱-۴ حقوق انسانی زنان.....
۱۸.....	۱-۱-۵ امتیازها و تفاوت‌ها.....
۱۹.....	بخش دوم: نگاه به زنان از زاویه تاریخی.....
۱۹.....	۱-۲-۱ نگاه به زن در بستر تاریخ ایران.....
۲۲.....	۱-۲-۱-۱ موقعیت زن در متون حقوقی مدون سومر.....
۲۵.....	۱-۲-۱-۲ موقعیت زن در متون حقوقی بابل (ستل حمورابی).....
۲۷.....	۱-۲-۱-۳ حقوق زن آشوری.....

- ۲۸.....۴-۱-۲-۱ موقعیت زن در ایران اسلامی.....
- ۳۹.....۲-۲-۱ نگاه به زن در متون هند، یهود و مسیحیت.....
- ۳۹.....۱-۲-۲-۱ تحلیل واژگانی زن در متون هندی.....
- ۴۲.....۲-۲-۲-۱ نگاه به زن در متون یهود و مسیحیت.....
- ۴۴.....بخش سوم-نگاه به زنان از زاویه فلسفی.....
- ۴۴.....۱-۳-۱ نگاهی به زن از منظر فلاسفه.....
- ۵۹.....۲-۳-۱ نگاه به زن از منظر امام خمینی (ره).....
- ۵۹.....۱-۲-۳-۱ نفی شیء گونگی.....
- ۵۹.....۲-۲-۳-۱ نفی تصویر جاهلی از زن.....
- ۶۰.....۳-۲-۳-۱ نقش زن در بنای جامعه.....
- ۶۰.....۴-۲-۳-۱ نظر خاص اسلام نسبت به زن.....
- ۶۱.....۵-۲-۳-۱ تاکید بر نقش تربیتی زنان.....
- ۶۱.....۶-۲-۳-۱ تاکید بر نقش اسلام راستین در هدایت زنان.....
- ۶۲.....۷-۲-۳-۱ آزادی انتخاب.....
- ۶۴.....فصل دوم: نگاه به زنان از زاویه حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی.....
- ۶۵.....بخش اول- نگاه به زن در حقوق داخلی ایران.....
- ۶۵.....۱-۲-۲ نگاه به زن در قانون اساسی.....
- ۶۸.....۲-۱-۲ نگاه به زن در قانون کیفری.....
- ۶۸.....۱-۲-۱-۲ شهادت.....
- ۶۸.....۱-۱-۲-۱-۲ معنی لغوی شهادت.....

- ۷۰..... ۲-۱-۲-۱-۲ شهادت زن در قوانین ایران
- ۷۱..... ۱-۲-۱-۲-۱-۲ جایگاه شهادت زن در قوانین کیفری
- ۷۳..... ۲-۲-۱-۲-۱-۲ جایگاه شهادت زن در قوانین مدنی
- ۷۵..... ۳-۱-۲-۱-۲ دیدگاه فقیهان در مورد شهادت زن
- ۷۷..... ۴-۱-۲-۱-۲ دلایل و مستندات فتوای فقیهان و نقد آنها
- ۷۸..... ۱-۴-۱-۲-۱-۲ آیات قرآن
- ۸۵..... ۲-۴-۱-۲-۱-۲ روایات
- ۸۸..... ۳-۴-۱-۲-۱-۲ سایر حکمت ها برای عدم برابری شهادت زن و مرد
- ۹۱..... ۵-۱-۲-۱-۲ نتیجه و برآیند مطلب
- ۹۴..... ۲-۲-۱-۲ قصاص و دیه
- ۹۴..... ۱-۲-۲-۱-۲ تعریف دیه و خون بها
- ۹۴..... ۲-۲-۲-۱-۲ مقدار خون بهای زن و مرد
- ۹۹..... ۳-۲-۲-۱-۲ مبانی و مستندات احکام خون بها
- ۹۹..... ۱-۳-۲-۲-۱-۲ دیدگاه فقیهان در مورد خون بهای زن
- ۱۰۰..... ۲-۳-۲-۲-۱-۲ دیدگاه فقیهان در مورد دیه اعضا
- ۱۰۱..... ۳-۳-۲-۲-۱-۲ مبانی قرآنی و روایی
- ۱۰۷..... ۴-۲-۲-۱-۲ تجزیه و تحلیل ادله و دریافت نتیجه
- ۱۱۱..... ۵-۲-۲-۱-۲ نتیجه و برآیند مطلب
- ۱۱۳..... ۳-۲-۱-۲ سن مسئولیت کیفری
- ۱۱۳..... ۱-۳-۲-۱-۲ مفهوم مسئولیت

- ۱۱۴.....۲-۳-۲-۱-۲ سن مسئولیت کیفری در قرآن، فقه، قانون، اسناد بین المللی.
- ۱۱۴.....۱-۲-۳-۲-۱-۲ قرآن.
- ۱۱۴.....۲-۲-۳-۲-۱-۲ سنت.
- ۱۱۴.....۳-۲-۳-۲-۱-۲ فقه.
- ۱۱۵.....۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون.
- ۱۱۵.....۱-۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون مجازات عمومی.
- ۱۱۵.....۲-۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار.
- ۱۱۶.....۳-۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون راجع به مجازات اسلامی.
- ۱۱۶.....۴-۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون مجازات اسلامی.
- ۱۱۶.....۵-۴-۲-۳-۲-۱-۲ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان.
- ۱۱۷.....۶-۴-۲-۳-۲-۱-۲ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۹۲.
- ۱۱۹.....۵-۲-۳-۲-۱-۲ در اسناد بین المللی.
- ۱۲۰.....۳-۳-۲-۱-۲ نتیجه و برآیند مطلب.
- ۱۲۱.....بخش دوم: نگاه به زن از منظر اسناد بین المللی.
- ۱۲۱.....۱-۲-۲ تاریخچه حقوق زنان در غرب.
- ۱۲۴.....۲-۲-۲ اسناد بین المللی در زمینه حقوق زنان.
- ۱۴۴.....نتیجه گیری و پیشنهادات.
- ۱۴۸.....فهرست منابع و ماخذ.

مقدمه:

به منظور روشن شدن طرح کلی پژوهش ابتدا به ذکر بیان مسئله، سوالات تحقیق، فرضیات تحقیق، سابقه تحقیق، محدوده بحث و روش انجام تحقیق و پلان کار می پردازیم.

بیان مسئله:

نهیضت بیداری زنان پدیده‌ای نو و جدید نمی‌باشد بلکه قدمت آن حتی به دوران پیامبر هم می‌رسد آن زمانی که به عنوان مثال همانند آنچه در سوره مجادله می‌بینیم عده‌ای از زنان نزد پیامبر می‌رفتند و علت مردانه بودن دینش را از او جویا می‌شوند و با او به صحبت و بحث می‌نشستند و آن طور که استنباط می‌شود سردسته زنان در آن دوران ام سلمه بوده است و یا زنانی که با اقدامات خود می‌خواستند موضوع حقوق زنان را جا بیندازند.

بسیاری از روشن فکران جهان فقط از آن جهت مذهب را ترک کرده‌اند که فکر می‌کرده‌اند میان مذهب و تجدد زندگی ناسازگاری است، فکر می‌کرده‌اند لازمه دینداری توقف و سکون و مبارزه با تحرک و تحول است و به عبارت دیگر خاصیت مذهب را ثبات و یکنواختی و حفظ شکل‌ها و صورت‌های موجود می‌دانستند. (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۸۵)

در میان ادیان و مذاهب هیچ دین و مذهبی مانند اسلام در شئون زندگی مردم مداخله نکرده است. اسلام در مقررات خود به یک سلسله عبادات و اذکار و اوراد و یک رشته اندرزهای اخلاقی اکتفا نکرده است؛ همان طوری که روابط بندگان با خدا را بیان کرده است، خطوط اصلی روابط انسان‌ها و حقوق و وظایف افراد را نسبت به یکدیگر نیز در شکل‌های گوناگون بیان کرده است. قهرا پرسش انطباق با زمان درباره اسلام که چنین دینی است بیشتر مورد پیدا می‌کند (همان، ۱۳۷۱، ص ۸۷) حقوق نیز که با زندگی روزمره افراد بشری در ارتباط است بالاخص حقوق اسلامی سرزمین ایران که برگرفته از فقه می‌باشد نیازمند چنین انطباقی با زمان می‌باشد.

به رغم نشانه‌های روشن مواردی چند به فهم نادرست از موضع اسلام نسبت به حقوق زنان انجامیده است که برخی ناشی از درک غلط از معنای لغات و پیام حقیقی آیات است و برخی دیگر به خاطر

نادیده گرفتن شرایط زمان و مکان و تاثیری است که آن‌ها بر نحوه عمل پیامبر و پیشرفت به سوی هدف وارد می‌کردند. در همه حال بسیاری از این کژفهمی‌ها متأثر از پیش داوری نادرست و بعضاً همراه با غرض ورزی و کینه توزی نسبت به دین به طور عام یا اسلام به طور خاص است. عامل سومی که معمولاً به فهم نادرست یا نارسا از یک آیه یا به طور کلی یک رویداد منفرد و جزئی می‌انجامد، جزئی‌نگری در روش فهم حقیقت است در یک منظومه فکری با انسجام و همبستگی درونی کار کرد هر جزء یا عنصر از عناصر تشکیل دهنده را تنها با توجه به کارکرد کلی و مشترک همه منظومه می‌توان تعیین کرد. قرآن از یک روح کلی برخوردار و به رغم دارا بودن مسائل و مطالب بسیار متعدد و پراکنده و جزئی، فلسفه و جهان بینی واحدی را بیان و هدف مشترکی را پی می‌گیرد. هر آیه درباره زنان در پرتو آن روح و پیام کلی یعنی فلسفه و جهان بینی و انسان شناسی و نظام ارزشی قرآن باید فهم شود (پیمان، بی تا، ص ۱۹) به علاوه همان طور که اشاره شد می‌بایست تاثیر شرایط محیط را هم در نظر داشت. تکوین و ظهور هر پدیده مادی یا غیر مادی، یک موجود زنده یا یک فکر و نظریه و رشد و پرورش آن، در یک بستر زیست محیطی صورت می‌گیرد و طبعاً از شرایط و محیط زیست و پرورش خود متأثر می‌شود. ایده‌های اسلام که در قرآن منعکس‌اند اگر در جامعه و موقعیت اجتماعی و تاریخی دیگری به عمل گذاشته می‌شدند، به نتایجی متفاوت از آنچه در جامعه عربی دیدیم می‌رسیدند غفلت از این نکته مهم باعث شده است عده‌ای نتایج عملی اندیشه‌های دینی را که متأثر از شرایط خاص زمان و مکان بوده‌اند با اصل آن اندیشه‌ها برابر و یکی فرض کنند و داوری خود را به آن‌ها تسری دهند.

بنابراین قرآن یک مجموعه قوانین نیست که خشک و بدون تفسیر باشد به علاوه این که هر انسانی به قدر فهم خود آن را تفسیر می‌کند و این گونه نیست که تنها یک یا چند نفر منظور آن را بفهمند بلکه خدا عالم تر است در نتیجه اگر ذهنیت حاکم بر جامعه و قانون گذار تغییر کند و اگر سعی کنیم اسلام را در کلیت و تمامیت آن در تمام ابعاد پیاده کنیم توازن لازم در جامعه برقرار خواهد شد و حقوق واقعی زن چه در عرصه حقوقی و چه در عرصه کیفری که مدنظر محقق می‌باشد برآورده خواهد شد.

سوالات تحقیق:

۱- نگاه اسلام از ابتدا تا به امروز نسبت به مسئله حقوق زنان و بالاخص حقوق کیفری زنان با چه

تحولاتی روبه رو بوده است؟

۲- آیا آنچه در قانون موضوعه جمهوری اسلامی پیرامون حقوق کیفری زنان آمده لایتغیر است یا

می توان در چهارچوب معیارهای اسلامی و دینی در این راستا تحول مثبت ایجاد کرد؟

۳- تا چه حدی امکان هم پوشانی میان قوانین داخلی و اسناد بین المللی در ارتباط با حقوق کیفری

زنان وجود دارد؟

۴- آیا آنچه تحت عنوان برابری حقوق زنان و مردان حداقل در عرصه کیفری از آن یاد می شود

امری شدنی است؟

فرضیات تحقیق:

۱- اسلام از دیرباز تا به امروز به مقوله حقوق زن توجه کافی مبذول داشته آن نگاه تحقیرآمیزی که

به زن در قرون گذشته مشاهده می شده را نفی و رد کرده است و زنده به گور کردن دختران یا

مظهر و سمبل شیطان بودن زن را دیدگاه هایی کاملاً سطحی و نادرست می دانسته و در زمان خود

مترقی ترین نظر و حکم را در مورد زنان مطابق با دنیای آن روز تشریح کرده در نتیجه می توان با

معیار و ملاکی که پیرامون این موضوع در اختیار ما قرار داده زن مسلمان را همچنان از حقوق

کافی و در خور شانش و مطابق با مقتضیات دنیای کنونی بهره مند ساخت.

۲- شاید در بادی امر چنین به نظر برسد که این حقوق که برای زنان در قانون در نظر گرفته شده برگرفته از اسلام و قرآن می باشد و در نتیجه نمی توان تغییری در آن ها ایجاد کرد ولی با نگاهی دقیق تر و بررسی های بیشتر می توان به اختلاف دیدگاه های فقها در این امور پی برد و با در نظر گرفتن این نکته که شریعت اسلامی بر مبنای مصالح و مفاسد آدمیان شکل گرفته و از باب مثال در مورد دیه، این نابرابری که در قانون ما مشاهده می شود در هیچ جای قرآن و یا سخنان اهل بیت به این مضمون نیامده، می توان انعطاف هایی را در قانون با در نظر گرفتن اصول ایجاد کرد.

۳- آنچه از کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی بشر برداشت می شود این است که ظاهرا زن و مرد از این زاویه دارای حقوق برابر هستند. اسلام نیز با صراحت و قاطعیت هر چه بیشتر اعلام داشته که همه انسان ها برابرند و این مساوات را در اصل انسانیت، حقوق و تکالیف و داوری و اجرای قوانین قائل است. در مقام بررسی و تطبیق دیدگاه اسلام پیرامون حقوق بشر و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر گروهی باور به تعارض و واگرایی دارند و دسته ای آن را همخوان و همگرا می دانند اما به نظر می رسد امکان اصلاح قوانین در راستای انطباق با این اسناد بدون اینکه خللی به اسلام وارد وجود دارد.

۴- زن و مرد خارج از موضوع جنسیت هر دو انسان و آفریده پروردگار جهانیان هستند و طبیعتا هیچ کدام دارای حق و مزیت نسبت به دیگری نیست. پاره ای از تفاوت های میان زنان و مردان انکارناشدنی است و چه بسا انتظار برابری داشتن خودش نا معقول باشد اما برتر تلقی کردن یک جنس و اختصاص دادن حقوق بیشتری به آن به خاطر داشتن جنسیت برتر امری در خور بی عدالتی و نپذیرفتنی است.

سابقه تحقیق:

هر چند تا کنون کتب، مقالات و مباحثات زیادی پیرامون حقوق زنان نوشته و مطرح شده است اما اکثراً با نگاهی کاملاً یک سوئه و یک جانبه بوده و به بررسی این موضوع با در نظر گرفتن دو معیار مهم زمان و مکان در کنار یکدیگر و تحولات پیرامون این موضوع نبوده است. در این پایان نامه سعی بر پاسخ دادن به سوالات مطرح شده و یافتن پاسخی روشن، منطقی و در خور تأمل برای مبحث مهم و ضروری حقوق کیفری زنان و بحث پیرامون این قضیه است.

محدوده بحث:

تحقیق پیشرو در دو فصل ارائه می شود؛ که در فصل اول به موضوع زنان از زاویه دینی، تاریخی، فلسفی می پردازیم و در فصل دوم وارد جنبه کیفری قضیه خواهیم شد و نیم نگاهی نیز به اسناد بین المللی در این زمینه خواهیم داشت. در این پایان نامه جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای انجام خواهد گرفت و نگارش آن به شیوه توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

فصل اول

نگاه به زنان از زاویه دینی، تاریخی و فلسفی

فصل اول به سه بخش تقسیم خواهد شد و در هر بخش به طور مجزا نگاهی به زنان از زاویه دینی، تاریخی و فلسفی خواهیم داشت.

بخش اول- نگاه به زنان از زاویه دینی

۱-۱-۱ تفکیک میان دین و شریعت

دین جهتگیری و فلسفه زیستن فرد است و معرفت فهمی است که فرد از خویشتن و جهان هستی و رابطه معنی دار میان این دو دارد و نظام ارزش‌ها و جهتگیری‌های اساسی که مطابق آن‌ها انتخاب و عمل و داوری می‌کند. اما شریعت یک رشته قوانین و مقررات موضوعه هستند که هر قوم و ملت و یا جامعه‌ای در هر عصر و زمان برای تنظیم روابط میان خود و براساس اصول و باورهای مشترک و مصالح عام به آن‌ها احتیاج دارند. به همین جهت، خصلت بومی دارند و به زمان و مکان وابسته‌اند و با تحول شرایط تغییر می‌کنند. (پیمان، بی تا، صفحه ۱)

همان گونه که از جای جای قرآن استنباط می‌شود ادیان گوناگونی در طول تاریخ وجود داشته و دارند که هر کدام قوانین متفاوت و گوناگونی را وضع کردند که در طول تاریخ دچار تحولاتی شده‌اند.

تفکیک میان دین و شریعت از آن جهت اهمیت دارد که شرایع تغییر می‌کنند و با هم تفاوت دارند و فهم و داوری درباره‌ی آن‌ها باید در پرتو دو واقعیت صورت گیرد: یکی اصول و ارزش‌های دینی که واحد است و دوم شرایط و مقتضیات زمان و مکان که خاص هر سرزمین و هر دوره تاریخی است. (پیمان، بی تا، صفحه ۲) در نتیجه فرد محقق‌ی که قصد دارد نظر شریعت اسلام را پیرامون مقوله زنان درک کند می‌بایست به دو اصل کلی تسلط داشته باشد: یکی اصول و ارزش‌های کلی اسلام و دیگری اوضاع و احوال زمانه‌ای که قوانین در آن ظهور و بروز می‌یابند. در یک دوره اصول و ارزش‌ها به گونه‌ای تجلی می‌یابند که مطابق با فهم مردم آن روزگار باشد در عین اینکه خدشه‌ای به چهارچوب اصول وارد نیاید و در دوره‌ای دیگر به شکلی دیگر تا در نهایت بتوان اهداف و

هنجار های دین را تا آنجا که مقتضیات زمانی و مکانی اجازه می دهد پیاده کرد. پر واضح است که وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زمان پیامبر (ص) با روزگار امروز متفاوت است و باید به گونه ای عمل کرد که به فلسفه دین عمل شود و نه صرف قواعد ثابت و لا یتغیر و همان طور که اشاره شد این قواعد شریعت هستند که متغیر و متأثر از اوضاع زمانه اند نه فلسفه و ذات دین.

در نتیجه عدم درک روح زمان و مکان در عمل به آرمانها و تحقق هدفها در هر جنبش اجتماعی به چپ رویها و راست رویهای ویرانگر می انجامد و شکست نهضت ها را در پی دارند. (پیمان، بی تا، صفحه ۳) بنابراین برای شناخت و آگاهی نظر اسلام نسبت به زن می بایست میان اسلام به عنوان یک دین و اسلام به عنوان شریعتی که در زمان پیامبر به آن عمل شد و مذاهب مختلف فقهی و دینی که بعدها سربلند کردند و تاکنون در میان ملت ها و اقوام مختلف مسلمان رواج و اعتبار دارند، تفاوت قائل شد و به درک درستی رسید.

۱-۱-۲ مفهوم زمان و مکان

از نظر تاریخی قدیمی ترین مقرراتی که با پیدایش زندگی اجتماعی بشر به وجود آمده و همگام با پیشرفت علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به رشد و توسعه خود ادامه داده، مقررات کیفری است. امروزه این واقعیت را کم و بیش همگان پذیرفته اند که زندگی اجتماعی در صورتی مطلوب است که نظم بر آن حاکم باشد از این منظر هر جامعه‌ای برای تنظیم روابط اجتماعی خود به قانون از جمله مقررات جزائی به روز نیازمند است.

در لغت زمان به معنای وقت و مکان به معنای موضوع و محل است (دهقان، بی تا، ص ۸۳) که بر حسب عرف به مجموعه شرایط و تحولات زندگی یعنی حوادثی که در زمان و مکان اتفاق می افتد اطلاق می شود. شهید مطهری مقتضیات زمان را این گونه تعریف می نماید مقتضیات زمان یعنی مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی بشر (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

بنابراین زمان و مکان بر حسب این معنا شامل تمام وقایع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن می شود. این معنا در هر یک از علوم مختلف کاربرد ویژه ای دارد. البته در فقه به جهت تمدن جدید بشری، نیازهای گوناگون انسان ها در زمان و مکان های مختلف و مجموعه تحولات حاکم بر زندگی بشر و بالاخره و مقتضیات زمان و مکان (پیشین) را شامل می شود.

به طور خلاصه، وقتی از عبارت زمان و مکان استفاده می کنیم، منظور ما همان مقتضیات زمان و مکان است. این همان معنایی است که مورد توجه بزرگان (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۸۴، ۱۸۳) از جمله امام (ره) بوده و بر موضوعات، احکام و استنباط مسائل فقهی تاثیر گذار است چنانکه تاکید فرمودند: "زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می طلبد، مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد (موسوی الخمينی، ۱۳۷۲، ص ۹۸) مراد از زمان و مکان، امور، تحولات و اوضاع و احوالی است که در زمان و مکان قرار می گیرند. این معنا در روایات نیز مورد تاکید قرار گرفته است:

امام علی (ع) فرمودند: "من عرف الايام لم یغفل عن الاستعداد"

کسی که نسبت به زمان شناخت داشته باشد، از آمادگی غافل نخواهد ماند.

امام صادق (ع) فرمودند: "العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس"

کسی که به زمان خویش آگاه باشد، لغزش‌ها و اشتباهات او را احاطه نخواهد کرد.

به طور کلی، عواملی که در زمان و مکان تاثیرگذار بوده و به عنوان شرایط زمان و مکان در فقه مطرح هستند عبارتند از:

- عوامل جغرافیائی

- پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک بشر

- بنای عقلاء

- ضرورت‌های حادث اجتماعی

- نوع حکومت و حاکمان

- ساختار اقتصادی و ابزار تولید

- روابط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان (سلیمی، 1381، ص 3)

شایان ذکر است که منظور از تاثیر زمان و مکان این نیست که قوانین اسلام از عرف یا خواهش‌های نفسانی ملت‌ها تبعیت کند یا جای خود را به قوانین عرفی بدهد که در نتیجه آن احتمال تعطیلی احکام اسلام برود بلکه غرض اصلی آن است که باید احتیاجات واقعی بشر و بالاخص زنان در راستای تحولات به وجود آمده شناخته شده و قوانین هماهنگ با آن از منابع اسلامی توسط متخصصان امور استخراج و به جامعه عرضه گردد. بنابراین قوانین اسلام ضمن حفظ موجودیت و استقلال خود باید بتواند خود را با واقعیت‌های جدید و نیازهای واقعی افراد بشر هماهنگ سازد قابل ذکر است که امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه‌ی یکی از مدرسین قم فرمودند. "نادیده گرفتن تمدن جدید بازگشت به زندگی کوخ نشینی و صحرا نشینی است." (موسوی الخمینی، 1372، ص 34) (دهقان، بی تا، ص 72)

در نتیجه اینکه با وجود تمام تحولات، در قوانین جدید نیز کاستی‌هایی وجود دارد و در مواردی با تحولات جدید و شرایط زمان و مکان انطباق ندارد و این کاستی‌ها یا ناشی از نگرش خاص تصویب کنندگان این قوانین است و یا متأثر از عدم تجربه قانون‌گذاری و اجرایی در بخش جزائی در تاریخ کشور.

به نظر می‌رسد اسلام امکان تغییر در قوانین را فراهم ساخته است اما در انطباق و هماهنگی با مقتضیات زمان باید از ۲ عنصر جمود و جهل بر حذر بود. جمود از هر چه نو است بیگانه و جهل هر پدیده نو ظهوری را به نام مقتضیات زمان و تجدد ترقی موجه می‌شمارد. هر دو، وضع قدیم را جزء شعائر دین می‌دانند لکن جمود این شعائر را پاس می‌دارد و جهل دین را ملازم با کهنه پرستی و سکون می‌بیند.

با درک مبانی استنباط احکام دینی و به کار بستن آن‌ها در استنباط و نیز شناخت مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی با کنار انداختن جمود و جهل می‌توان احکام و مقررات دینی را در جهت تعالی و سعادت انسان بر اساس مبانی و با توجه به مصالح و مقتضیات به اجرا درآورد. البته در این راه باید از افراط و تفریط پرهیز کرد. اسلام برای احتیاجات ثابت بشر قوانین ثابت و برای احتیاجات متغیر وی وضع متغیری در نظر گرفته است. دستورهای اسلامی ناشی از یک سلسله مصالح عالیه است که درجه اهمیت این مصالح متفاوت است و قواعد قانونی حاکم بر احکام اولیه قدرت اجرایی این احکام را افزون می‌سازد. وضع قوانین مهریه اجره المثل، طلاق و... گوشه کوچکی از استنباط معقول و متناسب همراه با درک شرایط زمانی و مکانی از قوانین اسلام است. (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۵۷)